

بررسی کارکرد ها و جایگاه فرهنگی اساتید در اجتماع علمی دانشگاه
(مطالعه موردی اعضای علمی دانشکده‌های علوم اجتماعی تهران)

مهناز جلیلی^۱

محمدجواد زاهدی^۲

فرهنگ ارشاد^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۰

چکیده

تحقیق حاضر با موضوع بررسی جایگاه اجتماعی فرهنگی اساتید علوم اجتماعی شکل گرفته است. چارچوب نظری این تحقیق بر اساس الگوی تئوریک و مفهومی پیر بردیو در خصوص تعامل ساختار و عاملیت (میدان دانشگاه و اساتید به عنوان کنش‌گران علمی) استوار است. در این راستا، متغیرهای جامعه‌شناختی مطرح در پژوهش، شامل تعامل علمی، سرمایه فرهنگی و نحوه تولید و انتشار آثار علمی و فضای دانشگاه به عنوان سمبل اجتماع علمی استادان است. هدف تحقیق از نوع کاربردی و بر حسب ماهیت نیز مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای هیات علمی رشته علوم اجتماعی شاغل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است که تعداد ۱۵۱ نفر از آن‌ها به روش تمام شماری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که برخی از عرصه‌های فرهنگی موجود در جامعه ما صرفاً ماهیتی علمی ندارد و فضای اجتماعی موجود در دانشگاه همواره شرایط تولید علم را فراهم نمی‌کند؛ به طوری که تولیدات علمی و دستاوردهای پژوهشی استادان دانشگاه در ایران بیشتر به صورت غیر جمعی در قالب گروه‌های کوچک دو یا سه نفره تهیه و منتشر می‌شود. با توجه به شواهد تجربی موجود، استنباط می‌گردد که در ایران، روابط و تعاملات اساتید در فضای فرهنگی و علمی در سطح خرد در وضعیت گذار تغییر شکل و ماهیت است.

واژگان کلیدی: اجتماع علمی، تولیدآثار علمی، اعضای هیأت علمی، میدان دانشگاه، تعامل فرهنگی.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

مقدمه

از آنجا که پویایی و رشد علم در یک کشور و در جهان منوط به تقویت "نظام اجتماعی علم" است این امر به سبب انسجام کارگزاران علم امکان پذیر است؛ البته تحقق انسجام اجتماعی عناصر و گروه‌های فعال در علم منوط به خلق سازوکار کنترل اجتماعی، تضمین کارآمدی عناصر و ارتباط میان آنهاست. زیرا نظام اجتماعی علم نیز به مثابه هر نظام مشابهی، نیازمند تقسیم کار، جایگاه‌هایی برای جامعه‌پذیر کردن افراد و راهکارهایی برای توزیع منابع و قدرت است. این نظام باید بتواند تلاش‌ها و تکاپوی اجتماعی را به نحوی هدایت کند که سال‌های بعد محصول نهایی آن موجب رشد و پیشرفت فردی و جمعی گردد. نظام اجتماعی علم، نیازمند نظمی است که در آن کنش‌های استراتژیک مبنی بر محاسبه مقصدهد فمند و ارتقای دانش طراحی شود؛ چنانچه نهاد علم مستقل باشد، طبعاً کنش‌های علمی هم به نظم خاصی منتهی شده و در نهایت توسعه و رونق نظام علمی منجر به پیشرفت و تغییر کل جامعه خواهد شد (Tavakol, 2004: 19).

مراکز آموزش عالی نیز به لحاظ رسالت مهم خود در تربیت نیروی انسانی متخصص، دانش‌پژوه و کارآمد نقش بسزایی را به عهده دارند. دانشگاه به‌عنوان رکن مهم آموزش عالی نقش زیادی را در مسیر تعالی و تکامل جامعه ایفاء می‌کند. همچنین تسهیل‌گر دستیابی به توسعه و غنای دانش و اعتلای فرهنگ کشور است. دانشگاه در راس مراکز علمی تحقیقاتی کشور، جایگاه اصلی فعالیت‌های آموزشی-پژوهشی است. چنانچه بورديو می‌گوید: «مستقل‌ترین میدان، میدان علمی دانشگاه است. سرمایه‌ی اصلی در این میدان علمی، نه تولید گزاره‌های معتبر بلکه توانایی سخن گفتن و عمل کردن مشروعی است که به صورت اجتماعی رسمیت یافته است (Bourdieu, 2005: 12).

به نظر می‌رسد که ارتباط^۱ و تعامل^۲ بین دانشمندان به‌عنوان پایه‌گذاران و کارگزاران فعالیت‌های علمی امری اجتناب‌ناپذیر است، این روابط شامل جامعه‌پذیری علمی، گفتمان علمی، مشارکت در انجمن‌های فرهنگی-هنری و فعالیت‌های تحقیقاتی و غیره است که موارد فوق‌الذکر به گسترش سرمایه فرهنگی کادر علمی دانشگاه کمک می‌کند.

قالب‌های گوناگون ارتباطات و مشارکت اساتید در حوزه دانشگاه اعم از شکل‌گیری شبکه‌های گروهی رسمی یا غیر رسمی در فضای دانشگاه، همفکری حرفه‌ای و تعامل فی مابین کادر علمی مراکز آموزش عالی می‌بایست درک و شناخته شود (Sharepour, 2007: 20). زیرا همکاری‌ها و فعالیت‌های گروهی در کنار سیاست علمی-پژوهشی جامعه، خود به رونق تولیدات علمی و نیز به توسعه علمی

1- Relation

2- Interaction

بررسی کارکرد ها و جایگاه فرهنگی اساتید در اجتماع علمی دانشگاه ...

در سطح کلان منجر می‌گردد (Mohseni, 1992: 21). بدین‌سان، در می‌یابیم که کادر علمی دانشگاه قشری موثر و تعیین‌کننده در عرصه دانش هستند و قدرت آن‌ها به سرمایه علمی‌شان وابسته است؛ پس ضرورت دارد که قابلیت‌ها و دستاوردهای علمی روشنفکران در این حوزه به‌طور علمی و عینی مورد ارزشیابی قرار گیرد.

در این ساختار نه تنها بازده فکری و تجربی استادان دانشگاه بلکه خط مشی‌های حرفه‌ای آن‌ها نیز قابل بررسی است. همچنین، ارتباطات فرهنگی اساتید خود بخشی از زندگی حرفه‌ای آنهاست و تعاملات علمی رایج بین اعضای اجتماع علمی نیز خود متأثر از جامعه‌پذیری علمی تلقی می‌شود. به نظر هاگستروم^۱ "جامعه‌پذیری دانشمندان" خود در تولید علم نقش بسزایی دارد؛ زیرا اعضا در فرآیند جامعه‌پذیری به‌طور موثری یاد می‌گیرند که چگونه مناسبات بین فردی خود را در محیط آکادمیک حفظ و تقویت کنند (Hagstrom, 1965: 145). همچنین به بیان کالینز، تعاملات بین فردی اعضای علمی جزو ضرورت‌های رسالت آن‌ها محسوب می‌شود و تداوم این روابط خود به تولید علم کمک زیادی می‌کند، ضمن آنکه نتایج اجتماعی هم در بردارد (Collins, 2000: 220).

این امر مسلم است که تعاملات فرهنگی و روابط علمی خود، بن‌مایه "اجتماع علمی"^۲ دانشمندان است؛ بدین‌سان که با مطالعه و شناسایی ابعاد روابط اجتماعی و حرفه‌ای اساتید می‌توان به کم و کیف اجتماع علمی پی برد. با توجه به شواهد موجود در می‌یابیم که اساتید علوم اجتماعی که می‌بایست مصداقی از جامعه علمی افراد هم رشته باشند آن‌گونه که مطلوب است از مشارکت و همکاری چشمگیر و فعالانه‌ای برخوردار نیستند.

در تحقیق حاضر تلاش می‌شود که با اتکا به دیدگاه‌های جامعه‌شناختی پیر بوردیو و همفکرانش در چارچوب مباحث جامعه‌شناسی علم به بررسی نگرش اعضای علمی نسبت به ارتباط بین فضای فرهنگی - اجتماعی دانشگاه بر عملکرد تخصصی اساتید فعال پرداخته شود تا ارتباط بین میدان دانشگاه با دستاورد فکری و تجربی آن‌ها شناخته و تبیین شود. به‌طور اخص، هدف آن است تا نقش اساتید علوم اجتماعی در تولید و نشر دانش معلوم گردد. در یک جمله هدف تحقیق حاضر عبارت است از بررسی و تحلیل زمینه‌های اجتماعی تولید دانش توسط اساتید دانشگاه تا ارتباط بین دو مقوله فضای حاکم در اجتماع علمی و آثار فکری و علمی منتشره اساتید در حوزه آکادمیک تبیین گردد. بر این اساس، پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

- اساتید دانشگاه در اجتماع علمی رشته علوم اجتماعی با چه مسائلی مواجه‌اند؟

- چه ارتباطی بین موقعیت اساتید در اجتماع علمی دانشگاه و نحوه تولید و عرضه آثار علمی رشته

علوم اجتماعی وجود دارد؟

1- Hagstrom

2- Scientific Community

مروری بر مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی جامعه‌شناسی علم در ایران، حاکی از آن است این مطالعات با رویکردهای هنجاری (Ebrahimi, 1991, Gazitabatabaie & vedadhir, 2000) یا رویکرد ساختی کارکردی (Fazeli, 2007 & Ghaneirad, 1999) صورت گرفته است. البته (Rabbani, 2009) با رویکردی ساختی کارکردی علاوه بر بررسی سازمان درونی علمی جامعه‌شناسی، بر تعاملات علم با سایر نهادهای اجتماعی تاکید دارد و بر همین مبنا موانع این تعاملات و در نتیجه رشد جامعه‌شناسی در ایران را در چندین سطح مورد شناسایی قرار می‌دهد.

در مطالعات پیشین، به دلیل ماهیت رویکردهای مورد استفاده در آن‌ها، "به پدیده‌های خرد در فضای علم" توجه اندکی شده‌است. در این حین، توجه به "تعاملات کنش‌گران فضای علم و سرمایه علمی ناشی از آن" به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های خرد در فضای علم میزان کمتری از توجه را به خود می‌بذول داشته است.

جوادی (۲۰۱۲) در تحقیقی با رویکردی کارکردگرایانه، از سطح پایین ارتباطات علمی در بین اساتید گزارش می‌دهد و معتقد است سطح نازل ارتباطات علمی نوعی انقطاع نسل دانشگاهی در فضای علوم اجتماعی ایران را به وجود آورده است. وی برای حل این معضل توسعه همکاری‌های علمی را بین اساتید توصیه می‌کند.

تحقیقات دیگر در سال‌های دیگر، بر همین مسئله تاکید دارند؛ چنانچه یافته‌های (Ghaneirad, 2006) نشان می‌دهد فعالیت‌های علمی فعالان فضای علوم اجتماعی عموماً به صورت فردی و حداکثر در گروه‌های دونفره صورت می‌گیرد. هم‌صدا با این محققین (Irshad, 2008) در مقاله‌ای با عنوان "جامعه علمی، روابط علمی و هم‌تالیفی"، به مسئله همکاری‌های علمی، به مثابه هسته اصلی جامعه علمی و موتور پیشرفت علم، تاکید می‌کنند. به باور آنها، تعاملات فی مابین اساتید چه به صورت غیر رسمی، و چه به شکل مدرن و سنتی، هم در داخل رشته و هم در بین رشته‌ها ارتقاء کیفیت فعالیت علمی، معرفی و ترویج یافته‌های علمی، انتشار آن‌ها و در کل سازمان‌دهی دانش را در پی دارد. در این بین همکاری‌های علمی در قالب پدیده تالیف مشترک (هم‌تالیفی) از اهمیت شایان توجهی برخوردار است چراکه در دهه‌های اخیر شکل و جهت فعالیت‌های علمی به گونه‌ای است که نیازمند اشتراک‌گذاری مهارت‌ها و تخصص‌هاست (Chitsaz, 2008).

در مطالعه‌ای متفاوت با اتکا به رویکرد بوردیویی، به بررسی میدان علوم اجتماعی پرداخته و ساختار و قواعد آن را دچار ضعف آکادمیک می‌داند. یافته‌های این محقق نشان می‌دهد که ارتباط علوم اجتماعی آکادمیک با سیاست‌گذاری دولتی و وابستگی آن به منابع مالی دولت، خود علت اصلی اهمیت‌یابی سرمایه

اقتصادی در میدان علوم اجتماعی دانشگاهی است که نتیجه این امر کم‌اهمیت شدن رقابت برسر سرمایه نمادین و سرانجام ضعف در شکل‌گیری و تثبیت اجتماع علمی اساتید علوم اجتماعی در ایران است. الگوی نظری تحقیق حاضر بر محور نظریه جامعه‌شناختی پیر بوردیو، استوار شده است. وی به عنوان یک جامعه‌شناس نظرات متعدد و گوناگونی را مطرح کرده که در این پژوهش صرفاً دیدگاه‌های وی در جامعه‌شناسی علم مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دید بوردیو، حوزه علم یک نظام اجتماعی است مانند دیگر نظام‌های اجتماعی که در آن ابعادی چون قدرت، سرمایه، مبارزه برای تغییر روابط و غیره وجود دارد. فعالیت علمی تحت تاثیر تمام عوامل مذکور شکل می‌گیرد (Gibbons, 1994: 90). همسو با بوردیو، معتقد است که میدان‌های اجتماعی - فرهنگی در امر تولید علم هم نقش دارند. اما این فعالیت‌ها بیشتر خاص میدان علمی است. به نظر بوردیو، هم دانشگاه، یکی از میدان‌های فرهنگی - اجتماعی است که در آن عاملان انسانی، برای کسب تشخیص و جایگاه در سلسله‌مراتب دانشگاهی بسیار تلاش می‌کنند. یکی از این راهبردها مطالعه و تحقیق است چیزی که بعنوان یکی از وظایف کنش‌گر علمی تلقی می‌شود. البته اساتید تحت لوای فعالیت علمی اغراض دیگری هم جستجو می‌کنند؛ زیرا دانشگاه علاوه بر تولید علم، دستاوردهای دیگری مانند کسب مناصب اجتماعی و سیاسی برای اعضایش به ارمغان می‌آورد که نوع دوم محصول دانشگاه، نیاز به فکر و اندیشه و نوآوری ندارد بلکه طی تعاملات و بده‌بستان‌های خاص اجتماعی و سیاسی کسب می‌شود. مجموع دستاوردهای هر کنش‌گر علمی منجر به کسب "قدرت دانشگاهی" می‌شود (Bourdieu, 2002: 129).

بوردیو، دانشگاه را میدانی می‌داند که در بردارنده مجموعه‌ای از جایگاه‌ها و موقعیت‌هاست و سرمایه افراد در این میدان به میزان بهره‌مندی و تعلق آن‌ها به آن موقعیت‌ها شکل می‌گیرد. بدین صورت که تمام عناصر و اجزاء موجود در میدان دانشگاه اعم از افراد، رویه‌ها، الگوها و روابط بین فردی و همکاری‌های گروهی و غیره، همه بن‌مایه اجتماع علمی دانشگاهیان را فراهم می‌سازد. همچنین، انواع سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مستتر در میدان دانشگاه، در تکوین و استحکام اجتماع علمی استادان نقش دارند. هر چند در این خصوص مولکی نیز نظر غیر مشابهی در خصوص فعالیت علمی دانشمندان ارایه می‌کند (Mulkay, 1981: 230).

بدین‌سان، با الهام از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی بوردیو، می‌توان تجلی اجتماع علمی را اعضای هیات علمی در محیط دانشگاه ترسیم نمود. اجتماع علمی، یک تشکل حرفه‌ای و خودجوش متکی بر انواع سرمایه‌های موجود در میدان دانشگاه است که هر یک در تقویت یا تضعیف سایر سرمایه‌ها موثرند؛ اما دو نوع سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی را می‌توان پدید آورنده اجتماع علمی و تحکیم‌کننده دانست، به طوری که ارتباط جدی بین این سرمایه‌ها و اجتماع علمی وجود دارد. بنابراین، برای شناخت اجتماع علمی می‌توان مقوله‌های شکل‌گرفته ملهم از این دو سرمایه را شناسایی کرد (Grenfell, 2008: 345).

از نظرات جامعه‌شناختی پیر بوردیو و هم فکرائش می‌توان دریافت که تمام عناصر و اجزای موجود در میدان دانشگاه اعم از افراد، رویه‌ها، الگوها و روابط بین فردی و همکاری‌های گروهی و غیره همه در افزایش یا کاهش فراورده‌های علمی به‌عنوان دستاورد و محصول فعالیت‌های دانشگاهیان نقش دارند؛ همچنین، انواع سرمایه‌های مستقر در میدان دانشگاه، بن‌مایه تهیه و تکثیر محصولات فکری استادان را - که کارگزاران علمی‌اند- فراهم می‌سازد.

واقعیت آن است که جریان پویای سرمایه‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی در قالب روابط و همکاری‌های دانشگاهیان اتفاق می‌افتد. بدین‌سان، بوردیو، به ارتباطات و مراوده‌های بین فردی و گروهی اساتید توجه زیادی دارد و آن‌را از سوی کارگزاران میدان دانشگاه هدف‌مند و حساب‌گرانه می‌داند؛ از یک‌سو، اعمال نظرات، تعیین موقعیت‌ها در سلسله‌مراتب دانشگاهی، اعمال سلطه، به اعضای جوان‌تر، تقسیم منافع برای هم‌تایان و همکاران هم‌رتبه و غیره صورت می‌گیرد و از سوی دیگر به لحاظ فردی نیز برای آن‌ها نتایجی به‌بار می‌آورد، به طوری که اغراض اجتماعی- فرهنگی فعالان دانشگاهی نیز تامین می‌شود (Tevofigh, 2012: 72).

به تعبیر بوردیو طی دوره فعالیت آکادمیک اساتید در دانشگاه، کم‌کم نوع دیگری از سرمایه شکل می‌گیرد که آن را "سرمایه علمی" می‌نامد، هر چند از سرمایه‌های کمیاب در میدان دانشگاه است که به‌یک‌باره به‌وجود نمی‌آید بلکه از نتایج و دستاورد مجموعه فعالیت‌های علمی اساتید در دوران فعالیت‌شان است. به عبارت دیگر، سرمایه علمی، نوعی از سرمایه است که تدریجاً در اثر مداومت و استمرار فعالیت آموزشی، پژوهشی اساتید، طی یک دوره مدید در فضای آکادمیک ایجاد می‌شود؛ تقریباً تمام استادان در پی افزایش و تکمیل این نوع سرمایه هستند که این امر در تثبیت و ارتقاء موقعیت دانشگاهی آنان نقش بسیاری دارد (Jacobs, 1987: 211).

موضوع دیگری که در اندیشه‌های بوردیو به‌چشم می‌خورد همانا نحوه و چگونگی تولید محصولات فکری اساتید است. وی در کنار سازمان علمی، تجهیزات نشر و ترویج دانش، به نوعی روابط بین اساتید تمام وقت را در تولید و اشاعه تولیدات فکری موثر می‌داند. به اعتقاد وی، نه تنها میزان و تعداد تولیدات دانشگاهی اهمیت دارد بلکه نحوه و چگونگی تهیه و انتشار محصولات علمی قابل بررسی است. بدین لحاظ، برخی از جامعه‌شناسان و کاوش‌گران حوزه جامعه‌شناسی علم، عنوان رویکرد تعامل‌گرا یا رابطه‌گرا را به نظرات پیر بوردیو و هم‌فکرائش نسبت می‌دهند؛ رویکردی که الگوی نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

بررسی کارکرد ها و جایگاه فرهنگی اساتید در اجتماع علمی دانشگاه ...

نشانه‌هایی از رویکرد تعامل‌گرا در آثار جامعه‌شناسانی چون، مرتن^۱، هاگستروم^۲، کالینز^۳، میتروف^۴، بن‌دیوید^۵، کوهن^۶، زوکرمین^۷ به انحصاری نمودار می‌شود؛ زیرا آنان نیز معتقدند که دانشمندان صرفاً موجوداتی کاملاً اخلاقی و پای‌بند مطلق به هنجارهای علمی نیستند بلکه آنها کنش‌گرانی تصویر می‌شوند که در شکل‌گیری کنش‌های علمی آن‌ها، برآورد منافع شخصی نقش زیادی دارد.

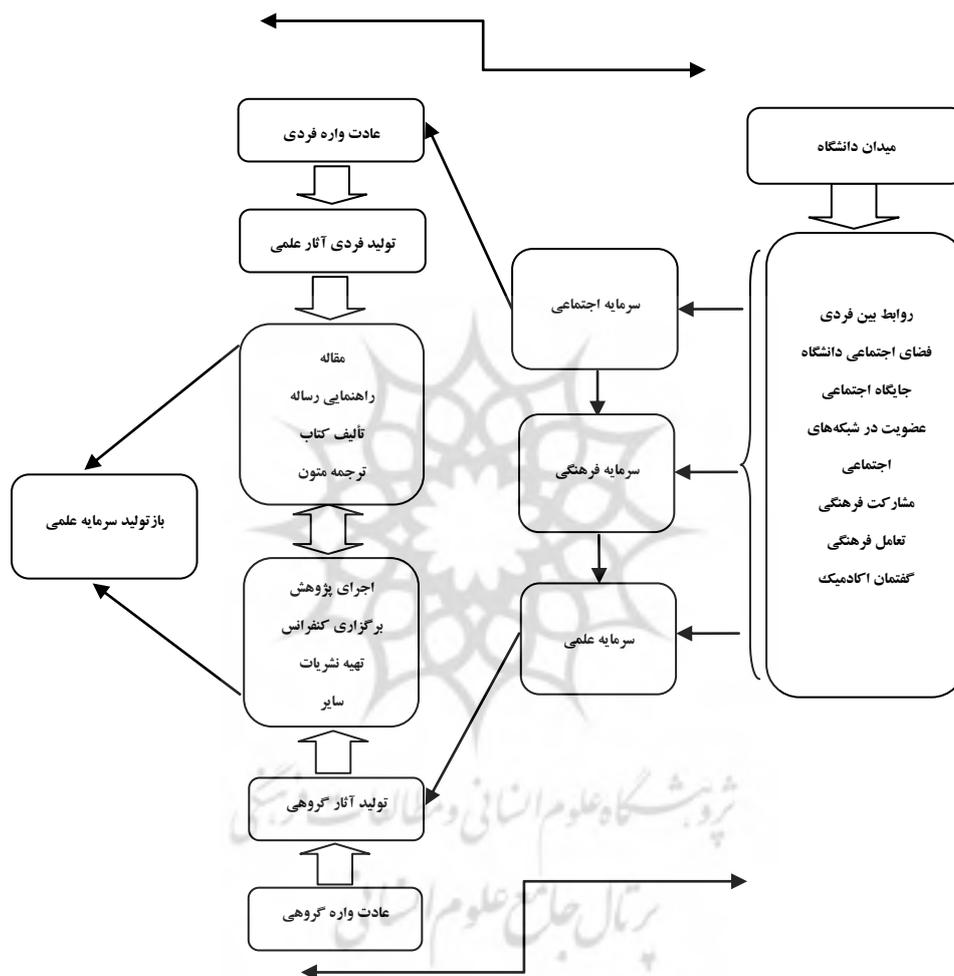
از این‌رو، در پژوهش حاضر، دانشگاه که خود مصداق عینی میدان علمی است را برگزیده و اعضای هیات علمی را به عنوان کنش‌گران اصلی این عرصه مد نظر قرار داده، به بررسی ارتباطات و تعامل بین فردی آن‌ها می‌پردازیم. همچنین، نگارنده بر شناسایی تنوع و تعدد مراوده‌های اساتید و دستاورد آن تأکید دارد. در واقع، هدف این پژوهش کشف این مسئله است که اساتید در اجتماع علمی دانشگاه چه موقعیتی دارند و در این حیطة کدام همکاری‌ها و ارتباطات اجتماعی- فرهنگی فی مابین کادر علمی دانشگاه برقرار می‌شود. همچنین، این روابط و مراودات برای آن‌ها چه سود و حاصلی در بردارد. آیا این جریان بر نحوه و چگونگی تولید آثار علمی‌شان اثر گذار است یا اینکه روابط مذکور به اقتضای موقعیت حرفه‌ای و منافع شغلی آن‌ها برقرار می‌شود.

همان‌گونه که پیر بوردیو چندان به مصادیق عینی تولیدات علمی نپرداخته بلکه وی فرایند و بستر تولید محصولات فکری دانشگاهیان را بررسی و تحلیل می‌کند، کاوش حاضر، نیز کنش‌گران اصلی میدان دانشگاه را به عنوان افراد تشکیل‌دهنده اجتماع علمی- به مثابه اجزای یک سیستم- در نظر گرفته، تأثیر متقابل آن‌ها را بر یکدیگر بررسی می‌کند.

در نهایت نگارنده اذعان می‌دارد که این پژوهش، خود یک تحقیق دو سویه است از یک‌سو به چگونگی تولید و نحوه ارائه و انتشار آثار علمی توجه دارد و از سوی دیگر، به وضعیت و تنوع تعامل و ارتباطات بین فردی اعضای هیات علمی دانشگاه با هم‌تایان خود می‌پردازد و با الگوی بوردیویی، برخی از عادت‌واره‌های دانشگاهی، همچنین تبادل و تعامل سرمایه‌های گوناگون (اجتماعی، فرهنگی) اساتید در محیط دانشگاهی مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

-
- 1- Merton
 - 2- Hagstrom
 - 3- Collins
 - 4- Mitroff
 - 5- Bendavid
 - 6- kohn
 - 7- zokerman

ارتباط بین اجتماع علمی اساتید و چگونگی تولید آثار علمی



ابزار و روش

با توجه به مختصات نظری و عملی این پژوهش از تکنیک‌های روش کمی استفاده شده است و دانشکده‌های علوم اجتماعی شهر تهران به‌عنوان موقعیت‌های مکانی ثابت برای فعالیت و تعامل اعضا هیات علمی، به مثابه کنشگران فضای علم، در نظر گرفته شد. انتخاب اعضای هیات علمی از این موقعیت مکانی، با توجه به مباحث بوردیو در خصوص قشر فعالان فضای دانشگاهی صورت گرفت. بر

بررسی کارکرد ها و جایگاه فرهنگی اساتید در اجتماع علمی دانشگاه ...

همین مبنای دو محور موضوعی، نحوه تولید آثار علمی و نیز تعاملات فرهنگی - اجتماعی اساتید با روش‌های آماری مورد سنجش قرار گرفت. محدوده موضوعی این تحقیق شامل مباحث مربوط به جامعه‌شناسی علم و به‌طور اخص، نحوه تولید علم و فعالیت‌های پژوهشی اساتید است. همچنین، به مطالعه جایگاه افراد در اجتماع علمی (میدان دانشگاهی) و رابطه این دو مبحث در حیطه دانشکده‌های علوم انسانی - گروه علوم اجتماعی - شهر تهران مد نظر است. این تحقیق در سطح تحلیل خرد بررسی می‌شود. واحد تحلیل نیز فرد است. بدین‌سان، فرآیند تحقیق به بررسی خصوصیات شخصی اعضای هیأت علمی، درجه علمی و سابقه و تنوع فعالیت دانشگاهی تأکید داشته است. همچنین، در این سطح از تحلیل به شناسایی همکاری‌ها، ارتباطات و تعاملات بین فردی اساتید در فضای فرهنگی و محیط دانشگاه پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق را اعضای هیأت علمی رشته علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران تشکیل می‌دهد؛ افرادی که در حال حاضر به عنوان کادر تمام وقت اساتید دانشگاه تحت نظارت وزارت آموزش عالی کشور فعالیت می‌کنند؛ شامل اعضای علمی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، تربیت معلم، شهید بهشتی، الزهرا (س)، تربیت مدرس، دانشگاه پیام نور تهران، دانشگاه شاهد، دانشگاه امام حسین و علوم بهزیستی را در بر می‌گیرد. با بررسی اولیه به عمل آمده مشخص گردید که در مجموع اعضای علمی تمام وقت رشته علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران به ۱۵۱ نفر می‌رسد؛ لذا با توجه به محدود بودن تعداد گروه آماری از تمام‌شماری استفاده شد. در این گزارش، متد اصلی مطالعه در تکنیک‌های پیمایشی جای می‌گیرد، هرچند ابزار اصلی پرسشنامه بوده است اما از تکنیک مشاهده هم برای کشف برخی روابط و تعاملات بین اساتید یک دانشکده تا حدی بهره گرفته شده است و به کاوش در خصوص روابط و چگونگی اجتماع علمی اساتید پرداخته شده است. پس از گردآوری داده‌ها، آن‌ها را کدگذاری کرده و برای ورود اطلاعات به کامپیوتر از تکنیک‌های متداول در نرم افزار SPSS استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی شامل تفکیک، طبقه‌بندی و تلخیص داده‌ها با استفاده از جدول‌های فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و رسم نمودار و توصیف اطلاعات و مشخصات فردی - اجتماعی پاسخگویان انجام شده است. سپس با کاربرد تکنیک‌های آمار استنباطی مورد نیاز، مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

خلاصه اطلاعات آماری و یافته‌های توصیفی تحقیق به شرح ذیل است:

- در خصوص ارتباط استادان دانشگاه با مراکز فرهنگی مشخص گردید که استادان گروه علوم اجتماعی ارتباط با نهادهای علمی و پژوهشی را به همکاری با سایر نهادها ترجیح می‌دهند.
- بالاترین میزان ارتباط اجتماعی اساتید با گروه‌های پژوهشی، و کم‌ترین ارتباط اجتماعی آنان با مراکز اجرایی است. البته واقعیت موجود برای اساتید علوم اجتماعی امری بدیهی است.

- بیش از ۸۰ درصد از استادان به مسئله بی‌اعتمادی به فضای علمی خود اذعان کرده‌اند. این واقعیت تلخ به اجتماع علمی استادان علوم اجتماعی خدشه وارد می‌سازد و می‌توان مسئله بی‌اعتمادی اعضای علمی به عنوان گروه تاثیرگذار جامعه را در حد یک مسئله اجتماعی تلقی کرد.
- بیش از ۶۰ درصد آن‌ها به نقش مرتبه علمی در پدید آمدن تولیدات فکری و فرهنگی قائل هستند. پس استنباط می‌شود که موقعیت و جایگاه علمی استادان علوم اجتماعی عامل تعیین‌کننده‌ای است.
- بیش از ۷۰ درصد استادان دانشگاه، تهیه و ارائه تولیدات پژوهشی و فکری را حاصل اقدام و تلاش فردی خودشان دانسته‌اند. بنابراین، توان و همت شخصی، یک عامل مهم در ایجاد و رونق آثار فکری تلقی می‌شود. "مراوده علمی"^۱ بین استادان دانشگاه را در درجه نخست، نگارش کتاب و مقاله و سپس اجرای تحقیق (۶۰ درصد) خود بیشترین نوع تعامل را در بر می‌گیرد. در واقع، این تعاملات، خود، ایجاد و افزایش دستاوردهای علمی را در برداشت.
- رقم ۵۰ درصد از افراد جامعه تحت بررسی، به تاثیر شکل‌گیری فعالیت فرهنگی در ارتقاء دانش اعتقاد دارند.
- پاسخگویان از نظر فعالیت علمی شخصی، به‌ترتیب الویت به امور تولید مقاله، تالیف کتاب و سپس اجرای پژوهش اهتمام دارند.
- اولویت اول فعالیت‌های دلخواه و مورد نظر اساتید، طبق ارقام به‌دست آمده، فعالیت‌های گوناگون نظیر اجرای همکاری پژوهشی با سایر دانشگاه‌ها، شرکت در کنفرانس علمی و همکاری با مراکز فرهنگی را نشان می‌دهد؛ اما همکاری با نشریات تخصصی در صدر سایر همکاری‌های استادان در وقت آزاد آنها قرار دارد.
- در مورد گرایش اساتید به نحوه انجام امور علمی، اطلاعات موجود نشان می‌دهد که به‌ترتیب الویت ابتدا به فعالیت انفرادی سپس، به کار گروهی و در رده سوم به فعالیت فردی توأم با مشورت گرایش دارند.
- در خصوص نوع ارتباط اجتماعی رایج بین اساتید دانشگاه، شکل‌های گوناگونی را می‌توان تشخیص داد. به‌طوری‌که به‌ترتیب الویت مواردی چون رقابت، منازعه، همفکری و مشارکت با دیگران در امور پژوهشی قابل شناسایی است.
- در مورد انگیزه اساتید دانشگاه جهت برگزاری جلسات علمی - تخصصی، یافته‌ها و اطلاعات موجود بازگوکننده آن است که بیشترین آن‌ها با هدف حل مسأله علمی و در مرتبه بعدی برای تعیین منزلت علمی به مناظره با دیگران می‌پردازند.

بررسی کارکرد ها و جایگاه فرهنگی اساتید در اجتماع علمی دانشگاه ...

- در خصوص تولیدات علمی و آثار چاپی و منتشره اساتید یافته‌های تفصیلی حاکی از آن است که گروه مورد بررسی، در خصوص عوامل موثر در ارتقاء مرتبه دانشگاهی اساتید شامل چاپ مقاله و در درجه بعدی پاسخگویان با ارقام پایین‌تر، اجرای تحقیق، راهنمایی و مشاوره دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی را سبب‌ساز ارتقاء مرتبه دانشگاهی خود قلمداد کرده‌اند.

- در مورد نحوه تهیه و تدوین آثار علمی اساتید دانشگاه، بالاترین رقم به فعالیت علمی انفرادی استادان اختصاص دارد و کمتر از یک سوم آن‌ها فعالیت مشترک گروهی و فقط رقم کمی از افراد به (فعالیت علمی با هم‌فکری دیگران) اشاره کردند.

- تنوع و کثرت نسبی آثار علمی اساتید دانشگاه که بالاترین ارقام، به ترتیب مربوط به تألیف و نگارش مقاله و تهیه کتاب و ترجمه آثار علمی و در رده بعدی راهنمایی پایان نامه کارشناسی و کم‌ترین میزان فعالیت‌های علمی به ترجمه مقاله و نیز راهنمایی رساله دکترا دانشجویان اختصاص دارد. در جدول ذیل، فهرست آثار علمی اساتید ارائه شده است.

جدول ۲. توزیع اساتید به تفکیک نوع آثار علمی آنها در دانشگاه

آثار علمی	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
کتاب	۱۰۶	۱	۴۰	۷۰.۴	۶.۷۰۱	۴۴.۸۹۸
مقاله	۱۲۷	۱	۱۱۰	۲۰.۱۹	۲۰.۶۳۶	۴۲۵.۸۵
ترجمه کتاب	۶۴	۱	۲۰	۲.۷۲	۳.۲۷۲	۱۰.۷۱۳
ترجمه مقاله	۵۰	۱	۴۰	۵.۴۰	۷.۸۰۹	۶۰.۹۸۰
داخل کشور	۱۰۹	۱	۱۶۰	۱۶.۵۴	۲۲.۷۷۹	۵۱۸.۸۸۰
خارج کشور	۶۸	۱	۳۲	۵.۴۱	۵.۷۷۲	۳۳.۳۲۰
راهنمایی تز دکتری	۵۵	۱	۳۰	۵.۸۲	۶.۳۳۹	۴۰.۱۴۸
راهنمایی تز ارشد	۱۰۷	۱	۷۰	۳۳.۷۹	۶۸.۳۲	۴۶۶.۰۷۶
مشاوره تز دکتری	۶۹	۱	۱۵۰	۹.۳۵	۱۹.۱۷۵	۳۶۷.۶۷۱
مشاوره تز کارشناسی ارشد	۱۰۵	۱	۲۱۰	۲۴.۳۴	۲۸.۲۲۰	۷۹۶.۳۶۲

در مورد عوامل نقش‌آفرین برای بهبود و رونق اجتماع علمی نظرات اساتید برای بهبود اجتماع علمی یافته‌های آماری به شرح ذیل است:

- در مجموع اکثریت (۷۵ درصد) پاسخگویان نقش مؤثری را برای نشست‌های علمی عنوان کرده‌اند. آنان ضمن آنکه وجود اجتماع علمی را ضروری دانسته، برای بهبود و تقویت آن جلسات هم‌فکری و تبادل علمی را مفید و مؤثر می‌دانند.

- بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان به تأثیر انجام طرح مشترک در بهبود اجتماع علمی استادان اذعان دارند. استنباط بر این است که پروژه تحقیقی برای افزایش تجربه حرفه‌ای و نیز رشد علم هم نقش زیادی دارد.

- بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان تأثیر ارتباطات فرهنگی در بهبود اجتماع علمی استادان قائل هستند. می‌توان این پدیده را به عنوان یکی از عوامل بهبود و تکمیل‌کننده اجتماع علمی دانشگاهیان محسوب نمود.

- بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان تشکیل و استمرار جلسات صنفی استادان دانشگاه را به عنوان یکی از عوامل تحکیم و تثبیت اجتماع علمی تلقی می‌کنند.

- اکثریت ۶۰ درصدی به این عامل اعتقاد دارند که یکی از حلقه‌های مفقوده اجتماع علمی اساتید همانا فقدان اعتماد لازم بین آنهاست. در نهایت یافته‌ها، نشان می‌دهد که همگی به نوعی به ضرورت اجتماع علمی اذعان دارند. اما ارتباطات علمی، هنوز به‌طور کامل و همه‌جانبه شکل نگرفته است؛ برعکس ارتباطات و مراوده‌های اجتماعی - اقتصادی به‌طور گسترده رواج دارد.

در جدول ذیل برخی از عوامل تحکیم و رونق اجتماع علمی اساتید ارائه شده است.

جدول ۳. توزیع نظرات اساتید به تفکیک عوامل تحکیم اجتماع علمی دانشگاه

عوامل تحکیم اجتماع علمی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پیوند اجتماعی	۳۵	۲۳.۱	۲۳.۱
بنیه علمی استادان	۴۲	۲۶.۷	۴۹.۶
گروه قدرت	۱۷	۸.۷	۵۸.۵
همکاری علمی	۵۴	۳۲.۸	۹۱.۳
همه موارد	۱۷	۸.۷	۱۰۰
جمع	۱۵۱	۱۰۰	

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی روابط بین متغیرهای اصلی، یعنی مشارکت و جایگاه اساتید در محیط آکادمیک و دستاوردهای فرهنگی - علمی آنها پرداخته شد. منظور از عوامل فرا آکادمیک عبارت از موقعیت فرد در فضای اجتماعی است که براساس میزان و ترکیب سرمایه‌های اجتماعی - فرهنگی، نمادین و اقتصادی مشخص می‌شود. دستاورد بررسی انجام‌شده حاکی از آن است که تأثیر عوامل

آکادمیک و اجتماعی بر عرصه‌های فرهنگی موجود در جامعه ما جنبه علمی ندارد و فضای اجتماعی در دانشگاه همواره شرایط تولید علم را فراهم نمی‌کند؛ ارتباطات اجتماعی اساتید همیشه صبغه علمی ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که نشست‌های فرهنگی هم بسیار عمیق و مولد نیست بلکه به ارتباطات همکاران علمی بیشتر شباهت دارد تا فعالیت جمعی مولد آثار علمی (Zanzanzadeh, 2004: 36).

همچنین، از یافته‌های تحقیق چنین برمی‌آید که اعضای هیأت علمی دانشگاه غالباً به امور شغلی خود اقبال می‌ورزند و برای وظایف آموزشی و پژوهشی حضور اجباری دارند. در این خصوص، می‌توان به جستجوی موانع ساختاری، اداری نیز پرداخت از جمله شیوه‌های نظارت و ارزشیابی برای اساتید، انتصابی بودن مدیران سطوح میانی و بالایی را می‌توان مطرح کرد. در این کاوش مشخص گردید که تولیدات علمی و دستاوردهای پژوهشی استادان دانشگاه در ایران بیشتر بصورت فردی - غیر جمعی - و در قالب گروه‌های کوچک دو یا سه نفره تهیه و منتشر می‌گردد. تعامل و روابط بین اساتید دانشگاه عمیق و مولد نیست. فضای گفتگو و مشارکت کنش‌گران اجتماع علمی مطابق ایده کالینز توأم با کشش و جاذبه نیست، بلکه فضای گفتگوی علمی^۱ منفعلانه و سطحی است. به طوری که چندان به تولید علم نمی‌انجامد؛ چنانچه یافته‌های توسلی (۲۰۰۴) نیز مؤید این نتیجه است.

از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان دریافت که بستر و زمینه تولید علم در ایران را باید در روابط و تعاملات واقعی در موقعیت محلی و شبکه‌های اجتماعی - فرهنگی وابسته جستجو کرد. در این پژوهش، متناسب با وضعیت محاط بر جامعه علمی ایران، ترجیحات نظری ما عبارت‌اند از: تأکید بر اجتماع علمی در مقابل سازمان علمی، ترجیح بیشتر بر اجتماع واقعی در مقابل اجتماع مجازی، و توجه به موقعیت محلی در مقابل شبکه‌های اجتماعی سازمان یافته مطرح است. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج کاوش مقصودی (۲۰۱۱) و مشکاتی (۱۹۹۸) همخوانی دارد.

در یک جمع‌بندی با احتساب عوامل و زمینه‌های تقویت‌کننده و تأثیرگذار مثبت، می‌توان اجتماع علمی را به عنوان یک گروه پویا، فعال و با رشد تلقی شده به طوری که می‌توان تصور کرد که این دسته از کنش‌گران علمی در فضای دانشگاه، از ارتباطات، مراودات و گردهمایی‌های متعدد اعم از نشست‌های موضوعی، انجمن‌های حرفه‌ای، فعالیت نشریه‌های تخصصی، برگزاری کنفرانس‌های علمی و غیره باهم مرتبط و در تعامل متقابل هستند (AfShar cohan, 2008: 36). حاصل همه این تلاش‌ها، همانا انباشت یافته‌ها و تجارب علمی مشترک خواهد بود که در آثار و محصولات فکری گروهی تجلی خواهد یافت. برخی از آن‌ها شامل هدایت پایان‌نامه دانشجویی، انجام پروژه مشترک پژوهشی، ترجمه کتاب یا تالیف گروهی یک اثر تئوریک است که می‌توان همه موارد فوق‌الذکر را در رده فعالیت اعضای اجتماع علمی در نظر گرفت.

شایان ذکر است که کاوش حاضر، موقعیت اساتید دانشگاهی ایران را در اجتماع علمی به شکل آشکار و هویدای آن بررسی نموده است، حال آن که می‌بایست ابعاد دیگر این گروه‌بندی‌ها، روابط و مراوده‌های فرهنگی را مورد اکتشاف و تحلیل قرار داد. به زعم نگارنده اجتماع علمی در ایران، بیش از چند دهه قدمت دارد. این گروه وسیع اما منسجم هم رشته‌ای استادان، هرچند کند و تدریجی اما در معرض تغییرات کمی و کیفی است. از یک سو با افزایش روز افزون اعضای هیأت علمی در مراکز آموزش عالی و فضاهای دانشگاهی همراه با شکل‌گیری دانشگاه‌های مجازی، شبانه، غیر انتفاعی، خصوصی و نیمه خصوصی و نیز توسعه روز افزون وسایل ارتباط جمعی نوین مواجه‌ایم که همه موارد، قطعاً، نوع و حجم روابط اجتماعی، فرهنگی اساتید را نیز دچار تحول ساخته است (Azadarmaki, 2010: 155).

افزون بر این، به مدد ظهور وسایل ارتباطی نوین که سهولت ارتباط کلامی، کتبی و غیر حضوری را رونق داده و عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی را جاذبه و گیرایی بخشیده است. اگر شکل و سیاق روابط و مناسبات اعضای اجتماع علمی عوض شده باید به جستجوی اشکال جدید و نوین این نوع مراودات فرهنگی - علمی پرداخت. البته تغییرات در حال شکل‌گیری است؛ بنابراین تغییرات روزافزون اجتماع علمی نه تنها از طریق مطالعه نشریات، مقاله‌ها و کتاب‌ها و یافته‌های علمی معتبر جهانی مقدور است، بلکه زمینه شکل‌گیری مراوده‌های فرهنگی و فعالیت پژوهشی و علمی مشترک با هم‌تایان دوردست نیز فراهم می‌شود (Abadollahi, 2012: 50).

پیشنهاد محقق به دست‌اندرکاران اجتماع علمی آن است که ایجاد بسترها و زمینه‌سازی شکل‌گیری اجتماع علمی نهادمند برای استادان دانشگاه فراهم شود تا اعضای علمی در وابستگی متقابل قرار گیرند؛ این اجتماع حرفه‌ای و علمی باید بتواند منابع دانش را مدیریت کنند، و به رفع تهدیدها و موانع محیطی پرداخته در ضمن به شناسایی فرصت‌های جدید اقدام کنند، به‌صورتی که تعاملات بین فردی و گروهی در دانشگاه‌های کشور افزایش یابد. با اتکا به یافته‌های تحقیق در زمینه تعاملات علمی و ارتباطات حرفه‌ای - غیر رسمی - توصیه می‌شود که اساتید علوم اجتماعی باتقویت و تثبیت انجمن‌های حرفه‌ای و تشکل‌های علمی - فرهنگی دانشگاهیان قدم‌های مؤثری را بردارند.

References

- Azadarmaki,T. (2010). Sociology: The challenging science in iran. science publishing. (Text in Persian).
- Afshar cohan .j. (2011). Sociology , Becoming interdisciplinary in Iran, Journal of Social studies, vol, 5. No. 13 winter. (Text in Persian).
- Bourdieu piure. (1986). The forms of Capital H and book new York reen wood press: pp. 259-24.
- Bourdieu, P. (1984). Homo Academicus translated Information ;289-119.by peter Collier Sand ford press.
- Bourdieu, P. & Wacquant. L.G .(1992). An I nvitation to Reflexive Sociology Cambridge; plity press.
- Ben, D. (1972). The Scienetific Role in Society ; Englewood clifs Prentice Hall.
- Becher Tony. (2001). Academic Tribes Territories. Open university Press.
- Collins , R. (2000). The scoiology of philosophies Press of Harvard University.
- Ebadollahi, H, & Z, S, Khasto. (2012). Scientific community in the Iranian university. Iraian Journal of Sociology. vol 13, No. 1, winter.
- Ebrahimi, G. H. (2011). Social factors in fluencing cooperation Rate. Iranian Journal of sociology. vol 12. No 1. (Text in Persian).
- Fukoyama, F. (2006). The end of the order. (Social Capital). Translated by Gholamabbas Tavassoli, Tejhnan: pen publishing. (Text in Persian).
- Ghaneirad, M. A (2006). Status of the Scientific community in the Scoial science Disipline. university of Tehran : Journal social science , No. 27. (Text in Persian).
- Grenfell, M. (2008). Pieer Bourdieu key concepts. Translated byMohammad Mehdi Labibi.Tehran: Acumen publishing. (Text in Persian).
- Godazgar ,H. (2006). Study of the factors affecting the production of science by faculty members of university. Journal of social science , Vol 3. No, 2. (Text in Persian).
- Gibbons, M. (1994). The New production of Knowledge. London: Sage Publications..
- Irshad, F. (2008). The position of Criticism as a Foundation for the Development. Journal of Humanities, No 17, winter. (Text in Persian).
- Hagstrom, W. Q. (1965). The Scientific Community. New York: Basic Books.
- Jacobs , S. (1987). Scientific Community: Formulations and Critique of a Sociological Motif , British jornal of sociology, 38; 266-276.
- javadi, A. (2012). An Epistemological Reflection on Academic Sociology in Iran. Jornal of Social Preblems of Iran, vol 3, No 1. (Text in Persian).
- Kuhen, Thomas. (2001). The Stracure of Scienetific Revolution, Chicago university Press.
- Pinch. T. J. (2007). The Sociology of Science and Tec,ology In: Braynan .A Refrence hand book, Vol 2 . Thousad Oaks.
- Merton, R. K. (1977). The Sociology of Science an episodic memoir. Southern Illinois University Press.
- Mullkay, M. (1981). Scoiology of sciences in the West: Current scoiology. Vol 28. No 3. PP.1-184.
- Meshkoni, Z. S. (1998). A Research on the Economic status of the university Facultis, Journal of social sciences , No 10 , winter. (Text in Persian).
- Maqsudi, M. (2011). Dialogical methodology in cultural researches .Journal of Iranian social studies, Vol 5, No 4. Winter. (Text in Persian).
- Mohseni Tabrizi, A. (1998). Introducing New books on scial sciences. Journal of social sciences, No10, winter. (Text in Persian).

- Nobel, J. and Davis (2008). Cultural capital of Variation in participation in higher education, Sandford university.
- Sharepour, M. (2016). The study of Relationship between social Factors affecting Neighbors: Iranian Journal of sociology: Vol 17, No 3. (Text in Persian).
- Rabbani, A. (2009). An Introduction to Pierre Bourdieu, Sociolinguistics. Journal of cultural studies & communication. Vol 50, No 16, Autumn. (Text in Persian).
- Ritzer, G. (1994). contemporary Sociological Theory, Scientific publish. chapter 10.
- Tevofigh, E. (2011). An Epistemological Reflection on Academic Sociology In Iran, Journal of social problems, Vol 3, No 1, winter. (Text in Persian).
- Tavakol ,M. (2010). The Sociology of Knowledge & Science. Tehran: Samt publishing. (Text in Persian).
- Tavssoli, G. A. (2004). Pierre Bourdieu on conflictual Social Space. Journal of social science university of Tehran. Vol 11, No 3, Sep.
- Vedadhir, A. (2012). cultural Capital and The lifestyle,"Iranian Journal of Sociology, Vol 15, No 1, winter. (Text in Persian).
- Wells, R. (2008). The effect of Social and culture on student Community: college R eview vol 36 N PP 46-25.
- Zanzanizadeh, H. (2004). An introduction to the sociology of Pierre Bourdieu, Journal of social sciences, Vpl 1, No2.
- Zuckerman H. (1965). Sociological Study of Scientific Collaboration. Columbia university press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی